

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش: الحاج داکتر امین الدین « سعیدی- سعید افغانی »

۱۳ می ۲۰۱۶

تفسیر احمد - ۴

ترجمه و تفسیر سوره التکویر - ۱

این سوره در « مکه » نازل شده و دارای ۲۹ آیت است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ (۱) وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ (۲) وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ (۳) وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ (۴) وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ (۵) وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ (۶) وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ (۷) وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ (۸) بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ (۹) وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ (۱۰) وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ (۱۱) وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ (۱۲) وَإِذَا الْجَنَّةُ أُنزِلَتْ (۱۳) عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ (۱۴) فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ (۱۵) الْجَوَارِ الْكُنُوسِ (۱۶) وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ (۱۷) وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ (۱۸) إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ (۱۹) ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ (۲۰) مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ (۲۱) وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ (۲۲) وَقَدْ رَأَاهُ بِالْأَفْقِ الْمُبِينِ (۲۳) وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ (۲۴) وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ (۲۵) فَأَيُّ تَذَهُبُونَ (۲۶) إِنْ هُوَ إِلَّا نَذْرٌ لِلْعَالَمِينَ (۲۷) لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ (۲۸) وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۲۹)

معلومات موجز :

نام این سوره «التکویر» یعنی «برخود پیچیدن» است، که از آیت اول این سوره گرفته شده است. این سوره در مکه مکرمه نازل شده و از جمله سوره های مکی می باشد.
سوره تکویر دارای (۱) رکوع، (۲۹) بیست و نه آیت، (۱۰۴) یکصد و چهار کلمه، (۴۲۶) چهارصد و بیست و شش حرف و (۲۱۹) دویست و نوزده نقطه می باشد.

آشنایی باسوره :

این سوره با جملات، کوتاه ولی قاطع، جالب، دارای قافیه و هماهنگی با مضامین سوره، بخش اول سوره در باره حالت ابتدائی قیامت و تاریخ شدن همه منظومه های شمسی و در هم ریختن همه چیز و فروپاشی نظام موجود هستی بحث می کند، سپس به موضوع بر خاستن انسانها از قبرها و گروه گروه به سوی خدا شتافتن را ترسیم نموده، محاسبه ای را به نمایش می گذارد و از شنعیرترین گناه زمان جاهلیت، دختران را زنده بگور کردن، یاد آور شده، صحنه های جنت

وجهنم را رقم می زند که با مشاهده آن انسان خود را درک می کند که چه چیزی را در این دو اقامتگاه نهانی برای خود فراهم کرده است ، سپس با ارائه شواهدی از گسترده این هستی به حقانیت پیام آورش استناد نموده ، به مخاطبین دعوت اذعان می کند که اگر پیام این دعوتگر را با پیام دیگران مقایسه کنید و سپس در باره آن قضاوت نمایید ، حتماً به حقانیت آن پی می برید.

وجه تسمیه :

طوری که در فوق یادآور شدیم: این سوره بهسبب افتتاح و آغاز با این فرموده پروردگار با عظمت «إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ» «تکویر» نامیده شد.

تکویر: در هم پیچیدن آفتاب و سپس افگندن و محو کردن روشنی آن است.

فضیلت آن :

در حدیث شریف به روایت ابن عمر رضی الله عنهما آمده است که رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «هر کس دوست دارد که بهسوی روز قیامت بنگردد چنانکه گوئی آن را به چشم سر می بیند پس باید سوره های: «إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ» ، إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ و إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ» را بخواند .

فضیلت تلاوت این سوره :

در حدیثی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه وسلم می خوانیم : « کسی که سوره اذا الشمس کورت را بخواند خداوند او را از رسوائی در آن هنگام که نامه عملش گشوده می شود حفظ می کند».

در حدیث دیگری می خوانیم که به پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم گفتند: چرا این قدر زودآثار پیری در شما نمایان گشته ؟

فرمود: « سوره هود، واقعه ، مرسلات ، عم ، و اذا الشمس کورت ، مرا پیر کرد» زیرا آن چنان حوادث هولناک قیامت در اینها ترسیم شده است که هر انسان بیداری را گرفتار پیری زودرس می کند.

تعبیراتی که در روایات بالا آمده به خوبی نشان می دهد که منظور تلاوتی است که سرچشمه آگاهی و ایمان و عمل باشد.

ترجمه موجز :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

«إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ» (۱) در آن هنگام که آفتاب در هم پیچیده شود،

«وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ» (۲) و در آن هنگام که ستارگان بی فروغ شوند،

«وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ» (۳) و در آن هنگام که کوهها به حرکت درآیند،

«وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ» (۴) و در آن هنگام که بارزشترین اموال به دست فراموشی سپرده شود،

«وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ» (۵) و در آن هنگام که وحوش (حیوانات) جمع شوند،

«وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ» (۶) و در آن هنگام که ابحار برافروخته شوند،
«وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ» (۷) و در آن هنگام که هر کس با همسان خود قرین گردد،
«وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ» (۸) و در آن هنگام که از دختران زنده به گور شده سؤال شود
«بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» (۹) به کدامین گناه کشته شدند؟!
«وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ» (۱۰) و در آن هنگام که نامه‌های اعمال گشوده شود،
«وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ» (۱۱) و در آن هنگام که پرده از روی آسمان برگرفته شود،
«وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ» (۱۲) و در آن هنگام که دوزخ شعله‌ور گردد،
«وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ» (۱۳) و در آن هنگام که بهشت نزدیک شود،
«عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ» (۱۴) (بلی در آن هنگام) هر کس می‌داند چه چیزی را آماده کرده است!
«فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ» (۱۵) سوگند به ستارگانی که باز می‌گردند،
«الْجَوَارِ الْكُنَّسِ» (۱۶) حرکت می‌کنند و از دیده‌ها پنهان می‌شوند،
«وَاللَّيْلِ إِذَا عَسَوَسَ» (۱۷) و قسم به شب، هنگامی که پشت کند و به آخر رسد،
«وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ» (۱۸) و به صبح، هنگامی که تنفس کند،
«إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ» (۱۹) که این (قرآن) کلام فرستاده بزرگواری است (جبرئیل امین)
«ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ» (۲۰) که صاحب قدرت است و نزد (خداوند) صاحب عرش، مقام والائی دارد!
«مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ» (۲۱) در آسمانها مورد اطاعت (فرشتگان) و امین است!
«وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ» (۲۲) و مصاحب شما (پیامبر) دیوانه نیست!
«وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ» (۲۳) او (جبرئیل) را در افق روشن دیده است!
«وَمَا هُوَ عَلَى الْعَیْبِ بِضَنِينٍ» (۲۴) و او نسبت به آنچه از طریق وحی دریافت داشته بخل ندارد!
«وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِیمٍ» (۲۵) این (قرآن) گفته شیطان رجیم نیست!
«فَأَیْنَ تَذْهَبُونَ» (۲۶) پس به کجا می‌روید؟!
«إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِینِ» (۲۷) این قرآن چیزی جز تذکری برای جهانیان نیست،
«لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِیمَ» (۲۸) برای کسی از شما که بخواهد راه مستقیم در پیش گیرد!
«وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ یَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِینِ» (۲۹) و شما اراده نمی‌کنید مگر این که خداوند (پروردگار جهانیان) اراده کند و بخواهد!

محتوای سوره :

این سوره در قدم اول سرزنش و ملامت افرادی است که بر اساس يك سری مطالب موهوم بر يك دیگر تفاخر می کردند و به صورت کل محتوای این سوره عمدتاً دو محور اساسی را مورد بحث قرار داده است :

۱ - آیات آغاز این سوره بیانگر نشانه هائی از قیامت و دگرگونیهای عظیم در پایان این جهان و آغاز رستاخیز است.

۲ - بخش دوم سوره از عظمت قرآن و آورنده آن و تأثیرش در نفوس انسانی سخن می گوید و این قسمت با سوگندهای بیدارکننده و پرمحتوایی همراه است .

سیاق های سوره تکویر:

اگر محتوی آیات از آیت (۱ تا ۱۴) ملاحظه شود: موضعات هشدار و انذار، آگاهی انسان از دستاورد خود در روز قیامت را مورد بحث قرار گرفته است.

و در آن تذکر داده شده که: نظام عادی عالم بر چیده می شود و نظام تعیین سرنوشت بر اساس دستاوردهای خود جای آن را می گیرد. «إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ» (۱) وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ (۲) وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ (۳) وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ (۴) وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ (۵) وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ (۶) وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ (۷) وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ (۸) بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ (۹) وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ (۱۰) وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ (۱۱) وَإِذَا الْجَبَابِطُ سُعِّرَتْ (۱۲) وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ (۱۳) عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أُخْضِرَتْ (۱۴)»

هكذا از آیت ۱۵ تا ۲۹ - از سخن وحی دوری نکنید و متذکر آن شوید:

آگاهی انسان از دستاورد خود در روز قیامت، سخن فرشته امین وحی است و رسول الله صلی الله علیه وسلم آن را از جنیان و شیاطین دریافت نکرده است، پس چرا از آن دوری می کنید؟ به جای دوری کردن، متذکر آن شوید. «فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُفِ (۱۵) الْجَوَارِ الْكُنَّسِ (۱۶) وَاللَّيْلِ إِذَا عَسَوَسَ (۱۷) وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ (۱۸) إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ (۱۹) ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ (۲۰) مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ (۲۱) وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ (۲۲) وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأَفُقِ الْمُبِينِ (۲۳) وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ (۲۴) وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ (۲۵) فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ (۲۶) إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (۲۷) لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ (۲۸) وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۲۹)».

نکات اخلاقی و اجتماعی سوره تکویر:

- ۱ - دفاع از مظلوم، اسلام و کفر ندارد. با این که دختران زنده به گور شده مسلمان نبودند، ولی قرآن از حق آنان دفاع می کند با نوع پرسش خاصی که الله از فاعل جرم (و اذا الموءوده سنلت)
- ۲ - با سؤال، وجدان ها را بیدار کنید (بای ذنب قُتلت)
- ۳ - کرامت و بزرگواری، توانائی و مکنت، داشتن نیروهای فرمان بر و امانت داری از شرایط لازم برای پیام رسانی و ارشاد است (کریم، ذی قوه، مکین، مطاع، امین)
- ۴ - گاهی باید تهمت ها را بی جواب نگذاشت و پاسخ داد (و ما صاحبکم بمجنون)
- ۵ - در شیوه تبلیغ، تذکر آری ولی اجبار نه (ذکر للعالمین لمن شاء منکم ان یستقیم)
- ۶ - انسان، نه بی اراده است و نه خود مختار. «و ما تشاؤون الا ان یشاء الله»
- ۷ - چون خداوند رب العالمین است و بر همه امور تسلط دارد، پس خواست انسان نیز مشروط به خواست اوست. «و ما تشاؤون الا ان یشاء الله رب العالمین»

تفسیر سوره تکویر:

«إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ» (۱) (هنگامی که آفتاب در هم پیچیده شود) و مانند پیچیدن دستار و جمع کردن لباس فراهم آورده شود سپس به عنوان اعلامی بر ویرانی جهان، پرتاب گردد.

حسن بصری در تفسیر خویش می نویسد: که «کورت» از تکویر مشتق است که به معنای بی نور بودن می آید، و به معنای انداختن و افکندن نیز می آید که بیع بن خثیم چنین تفسیر نموده است، که مقصود از آن این است که آفتاب در بحر انداخته می شود و در اثر حرارت آن کلیه بحر ها و دریاها آتش می گیرند، در میان این دو تفسیر هیچ گونه تعارضی وجود ندارد، بدین شکل که اول نور آفتاب سلب گردد و سپس به بحر انداخته شود.

در صحیح بخاری از حضرت ابو هریره (رض) روایت است ، که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود : آفتاب و ماه در روز قیامت به بحر انداخته می شوند و در مسند بزاز آمده است که در جهنم انداخته می شود ، ابن ابی حاتم و ابن ابی الدنيا و ابو الشیخ نسبت به این آیات چنین نقل کرده اند ، که خداوند در روز قیامت ماه و آفتاب و تمام ستارگان را به بحر می اندازد و سپس بر آن باد تندی می وزد که در اثر آن تمام دریا ها آتش می گیرند ، و بدین شکل این هم صحیح است که آفتاب و ماه به دریا و بحر انداخته می شوند ، و این نیز درست است که به جهنم انداخته می شوند ، زیرا کلیه دریا ها در آن هنگام جهنم قرار می گیرند . (مستفاد من المظهری و القرطبی) .

مفسرین در تفسیر: «إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ» می افزایند که نور آفتاب که اکنون در همه جا ساطع است ، تا دور دور را فرا گرفته و میلیونها میل دور تر می تابد ، با فرا رسیدن قیامت ، نور گسترده آفتاب ، منقبض گردیده بر خود می پیچد و از دیده ها پنهان می شود.

آفتاب که منظومه در خشان و تابانیست به تدریج به سردی می گراید ، گرمائی و روشنائی اش را از دست می دهد و به ستاره تاریک و سردی تبدیل می شود ، همچنان که زمین پس از جدا شدن از آفتاب و سایر منظومه ها ، نخست گرم و آتشین و روشن و در خشان بود ، به تدریج به سردی گرائید و به جرم سرد و تاریکی تبدیل شد که اکنون نور و حرارتش را از آفتاب می گیرد ، فقط در عمق سینه و در ژرفای دل خود حرارتش را حفظ کرده و همه چیز در درونش در حالت مذاب و غلیان ، ولی سطح بیرونی اش سرد و تاریک ، آفتاب نیز با مرور زمان به این سرنوشت مبتلا خواهد شد.

«وَإِذَا النُّجُومُ انْكَرَتْ» (۲) (و هنگامی که ستارگان تیره گردند). و نور آنها از میان برود. یا «انکدار» آنها به معنی فروافتادن، پراکنده شدن و به پایان رسیدن عمر آنهاست.

با فرا رسیدن روز قیامت و خاموش شدن مشعل تابان و در خشان آفتاب ، ستاره ها تیره و تاریک می شوند ، تعداد کثیری از ستارگان که روشن معلوم می شوند در اصل تاریک هستند نور و روشنائی خویش را از منابع دیگری به عاریت گرفته اند .

«وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ» (۳) (و آن وقت که کوه ها چون ریگ به حرکت درآیند و سپس چون پشم رنگین به هوا روند. آن هنگام تغییر می کنند و به غباری پراکنده تبدیل می شوند از جای خود برکنده می شوند.

«وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ» (۴) (در آن روز مردم گرانبهاترین اموال خود را که در همه اوقات مواظب آن بودند رها می کنند چون چیزی آمده که آن اموال گرانبها را از یادشان برده است)

عشار: شتران رام و مهار کرده ای هستند که فرزندان آنها در شکم آنهاست. این گونه شتران به این دلیل به یادآوری مخصوص شدند زیرا نفیس ترین و گرامی ترین اموال در نزد اعراب می باشند.

عطلت: یعنی همین گونه رها کردند و بدون شتربان و نهاده شوند؛ به سبب خوف و هراس عظیمی که مردم در روز قیامت مشاهده می کنند.

این آیت دلیل بر آن است که شتران نیز مانند حیوانات دیگر برانگیخته می شوند.

«وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ» (۵) (و هنگامی که حیوانات وحشی در روز قیامت گرد آورده شوند). یعنی: جانوران وحشی و درندگان و جانوران بیابانی در روز قیامت حشر می شوند تا از برخی از آنها برای برخی دیگر قصاص گرفته شود، سپس به خاک تبدیل می گردند. بقول: حشر آنها، مرگ آنهاست.

«وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ» (۶) (و هنگامی که ابحار (مانند آتش) افروخته شوند).

و به آتشی شعله ور و زبانه کش تبدیل شوند. البته بعید نیست که مراد انفجار مواد مذاب آتشفشانی اندرون زمین بر اثر انفجار و زلزله های عظیم آن باشد چنان که بعضی از مفسران همچون الوسی بر این نظرند. ابی بن کعب می گوید: «در

اثنائی که مردم در بازارهای خویش به سر می‌برند، به ناگاه نور آفتاب محو می‌شود و در اثنائی که آنان در این حالت‌اند، به ناگاه کوهها از جا برکنده شده و بر روی زمین می‌افتند پس، از آن حرکت و اضطراب عظیمی پدید می‌آید در این هنگام جنیان وحشت‌زده به‌سوی انسیان روی می‌آورند و انسیان به‌سوی جنیان و چهارپایان و مرغان و درندگان همه در هم می‌آمیزند».

«وَإِذَا النُّفُوسُ رُجِّتْ» (۷) «و آن‌گاه که جانها قرین همدیگر شوند» یعنی: جانهای مؤمنان با حور عین جفت گردانیده می‌شوند و جانهای کافران با شیاطین. یا ارواح با اجساد جمع می‌شوند.

حسن بصری در معنای آن می‌گوید: «هر کس به گروه خویش ملحق می‌شود؛ یهود با یهود، نصاری با نصاری، مجوس با مجوس، منافقان با منافقان و همین‌گونه مؤمنان با مؤمنان پس هر کس با هم‌کیش و هم‌آئین خود پیوند داده می‌شود».

«النُّفُوسُ»: جمع نَفْس، جانها و روانها.

«رُجِّتْ»: جفت اصل خود گردانده شد و به منشای خویش، یعنی بدن درآورده شد.

این آیت بیانگر این مطلب است که پس از مرگ انسانها، جانها از پیکرها جدا می‌گردند و به گونه مستقلی به سر می‌برند، و پیکرها به خاکها تبدیل و جذب عناصر دیگر می‌شوند و شکلها و صورتهای ترکیبی جدیدی را پیدا می‌کنند، با نفخه دوم صور و به فرمان ربّ غفور، بار دیگر روانها وارد کالبدهای خود می‌گردند و چشم به جهان نو می‌کشایند و تا ابد به گونه شگفتی زندگی می‌نمایند.

«وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ» (۸) (و هنگامی‌که از دختر زنده به‌گور شده پرسیده شود).

«بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» (۹) (به کدامین گناه کشته شده است؟).

طوری که اطلاع دارید تعدادی از اعراب‌ها در دوران جاهلیت، از سبب عار و یا هم از بیم فقر و نیازمندی دختران خویش را بعد از تولدشان زنده به گور می‌کردند چرا که آنان را سربار و مایه ننگ و عار خود می‌دانستند. بنابر همین عادت جاهلانه شان بود که پروردگار با عظمت به این اشخاص انذار داد که قاتلان دختران را که بی‌هیچ گناهی کشته شده‌اند، به محاکمه می‌کشاند و از علت آن دختران که زنده به گور شده‌اند، می‌پرسد که به کدامین گناه کشته شده‌اند؟ پاسخ آن دختران این است: بی‌هیچ گناهی زنده به گور شده‌ایم! و در اینجا است که روی حساب با قاتلان است. این آیت دلیل بر آن است که اطفال مشرکان عذاب نمی‌شوند زیرا عذاب در برابر گناه است. اطفال به جنت می‌روند.

فضیلت دختران :

فضیلت دختران چیز پنهانی نیست؛ همانها مادران و خواهران و همسران هستند و آنها نصف جامعه را تشکیل می‌دهند و نصف دیگر نیز از آنها زاده می‌شوند، گویا کل مجتمع هستند. نگاه کنید به: «تحفة المولود فی أحكام المولود» ابن القیم (صفحه ۱۶).

و از جمله چیزهایی که دلالت بر فضیلت دختران می‌کند؛ اینست که الله عزوجل دختر را هبه ای (برای والدین) نامبرده و آنان را در این آیت بر پسر مقدم گردانده است: «يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ» (سوره شوری ۴۹). یعنی: «خداوند به هر کس اراده کند دختر می‌بخشد و به هر کس بخواهد پسر».

و همچنین رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیثی فضیلت آنان را بیان نموده و احسان و نیکوکاری را در حق آنان تشویق می‌کند، چنان که می‌فرماید: «مَنْ ابْتُلِيَ مِنْ هَذِهِ الْبَنَاتِ بِشَيْءٍ فَأَحْسَنَ إِلَيْهِنَّ كُنَّ لَهُ سِتْرًا مِنَ النَّارِ» بخاری (۱۴۱۸) و مسلم (۲۶۲۹).

یعنی : «هر کس که خداوند وی را به وسیله چند دختر، مورد آزمایش قرار دهد (صاحب دختر شود و آنها را درست تربیت کند) و با ایشان به نیکویی رفتار کند، برایش سپری در برابر آتش دوزخ، خواهند شد.» (برگرفته از کتاب : «الإیمان بالقضاء بالقدر» محمد بن ابراهیم الحمد صفحه ۱۶۰).

بهانه زنده به گور کردن دختران:

طوری که در فوق هم تذکر دادیم، فرهنگ جاهلی عرب، عزت و افتخار را در داشتن فرزندان پسر می‌دانست و نگهداری دختران را مایه ننگ و به همین دلیل آنها را می‌کشتند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَ إِذَا بُسِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٍ»؛ (سوره نحل آیت ۵۸) و چون یکی از آنان را به (تولد) دختر بشارت دهند (از فرط غیظ و غضب) روی های شان سیاه گردد، در حالی که خشم گلویش را می فشارد. «بَيِّنَاوِي مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُسِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ»؛ (سوره نحل آیت ۵۹) از بدی بشارتی که به او داده شده از میان قبیله خود متواری شود (و نمی‌داند) آیا او را با سرافکنندگی نگاه دارد یا (زنده) در زیر خاکش نهان سازد. هان، بد قضاوتی می‌کنند.

قرآن عظیم الشان می‌فرماید : در زمان جاهلیت عرب وقتی برای ایشان خبر می‌آوردند که دختردار شدید از خشم سیاه می‌شدند و از بدی خبری که به آنان داده شد و از فشار افکار عمومی که آن‌را بد می‌پنداشتند پنهان گشته، به فکر فرو می‌رفتند که آیا این نوزاد دختر را نگه دارند و ذلت و خواری دختر داری را تحمل کنند و یا هم زنده به گور شان سازند ، همچنان‌که عادت اکثرشان در باره دختران متولد شده این بود.

مفسرین در مورد زنده به گور کردن دختران در زمان جاهلیت دلایل ذیل را عمده می‌شمارند :

- ۱- دختران نقشی در اقتصاد و تولید نداشته و بار زندگی بودند؛ لذا قرآن می‌فرماید: «وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ...»؛ (سوره انعام آیت ۱۵۱) و فرزندان را از (ترس) فقر، نکشید! ما شما و آنها را روزی می‌دهیم.
- ۲- در زمان جاهلیت معمولاً میان قبائل عرب جنگ و درگیری بود و سرنوشت و بقای قبیله در این جنگ‌ها رقم می‌خورد؛ لذا آنان برای این نبردها فرزندان شجاع و دلیر می‌خواستند، و این از عهده زنان و دختران خارج بود.
- ۳- در جنگ‌ها، دختران اسیر می‌شدند و مورد تجاوز دشمن قرار می‌گرفتند؛ از این‌رو برای آن که دچار چنین مشکلی نشوند، خود آنها را زنده به گور می‌کردند.

اصطلاح دوران جاهلیت :

دوران جاهلیت از مفاهیم مصطلح در اسلام و نامی است که به حالت فکری مردم عرب قبل از ظهور دین مقدس اسلام داده شده‌است. این اصطلاح در قرآن هست اگر چه تفسیرهای متفاوتی از آن شده‌است.

سیرت نویسان و محققین نیز در برخی از نوشته های خویش این کلمه را برای اشاره به جامعه عربستان قبل از اسلام به کار می‌برند. در دوران جاهلیت مردم شبه جزیره عربستان سعودی بت پرست بودند و برای تعداد کثیری از بت ها مصروف عبادت بودند و برایش قربانی می نمودند ، با ظهور دین مقدس اسلام آئین بت پرستی برجیده شد.

به طور کلی، آغاز و پایان دوران معروف به جاهلیت مورد اختلاف دانشمندان اسلامی است. برخی آنرا فاصله میان نوح وادریس ، و برخی از علماء فاصله میان زمان موسی و عیسی دانسته اند ، و برخی دیگری دوران جاهلیت را عصر عیسی علیه السلام تا محمد صلی الله علیه وسلم پنداشته‌اند. به هر صورت پایان این زمان را گاه ظهور محمدصلی

الله علیه وسلم و گاه فتح مکه می دانند: (مراجعه شود به کتاب راه‌های نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان عرب جاهلی، صفحه ۱۶).

«وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ» (۱۰) (و هنگامی که نامه‌های اعمال که هر بد و نیکی در آن نوشته شده گشوده می‌شوند و هر یک به صاحب آن داده می‌شود. پس برخی نامه اعمالشان را به دست راستشان گرفته‌اند و برخی نامه اعمال را در دست چپ یا پشت سر گرفته‌اند).

«وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ» (۱۱) (و هنگامی که آسمان (مانند پوست حیوان) برکنده شود). یعنی: پاره‌پاره گردیده و از جا برکنده شود چنان‌که سقف از خانه و پوست از تن گوسفند کشیده می‌شود.

«وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ» (۱۲) (و هنگامی که دوزخ برافروخته و شعله‌ور شود). برای دشمنان الله به فروزشی سخت. قتاده می‌گوید: «دوزخ را خشم الله و گناهان بنی‌آدم برافروخته می‌گرداند».

«وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ» (۱۳) (و هنگامی که بهشت برای پرهیزگاران نزدیک آورده می‌شود). «عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ» (۱۴) (هرکس آنچه را که آماده ساخته است می‌داند).

یعنی: چون آن امور یاد شده واقع شود، در آن هنگام هر کس با گشودن نامه‌های اعمال خود می‌داند که از خیر یا شرچه آماده کرده است.

در حدیث شریف به روایت عدی بن حاتم آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «عَنْ عَدِيِّ بْنِ حَاتِمٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا سَيُكَلَّمُهُ رَبُّهُ، لَيْسَ بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ تَرْجُمَانٌ فَيَنْظُرُ أَيَمَّنْ مِنْهُ، فَلَا يَرَى إِلَّا مَا قَدَمَ، وَيَنْظُرُ أَشْأَمَ مِنْهُ، فَلَا يَرَى إِلَّا مَا قَدَّمَ، وَيَنْظُرُ بَيْنَ يَدَيْهِ فَلَا يَرَى إِلَّا النَّارَ تَلْقَاءَ وَجْهِهِ، فَاتَّقُوا النَّارَ وَلَوْ بِشِقِّ ثَمْرَةٍ، فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فِيكَلِمَةً طَيِّبَةً» . متفق عليه. «(هیچ کس از شما نیست مگر این‌که خداوند متعال به‌زودی با او سخن می‌گوید به طوری که میان او و میان خداوند ترجمانی نیست پس به جانب راست خویش می‌نگرد و جز آنچه را که (از اعمال) پیش فرستاده است، نمی‌بیند و به جانب چپ خویش می‌نگرد پس جز آنچه را که پیش از خود (از اعمال) فرستاده است، نمی‌بیند آن‌گاه آتش به او روی می‌آورد. پس هر کس از شما که می‌تواند از آتش بپرهیزد - ولو با دادن پاره‌ای از خرمائی - ، اگر توانندی صدقه خرمای را نداشتید با سخن نیکو خود را از آتش دوزخ نجات دهید.»

وقتی این امور وحشتناک اتفاق افتاد مردم مشخص می‌گردند و هرکس می‌داند که برای آخرت خود چه تحفه‌ای آورده است و خوب و بدی را که انجام داده می‌داند. چون در روز قیامت آفتاب در هم پیچیده می‌شود و ماه بی‌نور می‌گردد و آفتاب و ماه در آتش انداخته می‌شوند.

ادامه دارد